University of Sistan and Baluchestan

Stable Economy and Sustainable Development

Online ISSN: 2783 - 1426

Iranian Scientific Social Welfare Association

Assessing the Impacts of Direct and Indirect Taxes on Private Investment in Iran

Azad Khanzadi[1], Shiva Ghaderi[2]

1. Corresponding Author, Associate Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran. E- mail: azadkhanzadi@gmail.com
2. M.Sc.,Faculty of Economics and Entrepreneurship, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: shivaghaderi1369@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:25 Sept.2020;
Accepted: 25Dec. 2020

Keywords:
Direct tax,
Indirect tax,
Private Investment,
ARDL.

ABSTRACT

The effects of the tax on economic activities are one of the most important issues in general finance. Taxes are the most important source of revenue for the government, in addition to being an important means of implementing government fiscal policies. Since taxes affect resource allocation, they will have important effects on real economic variables. Therefore, the effects of direct and indirect taxation on private investment have been studied. The method of gathering statistics and data is a library based on time series statistics of 1996-2018, which are derived from the central bank, the effect of government development expenditure, GDP, direct tax, indirect tax, business index, and risk index on investment have been estimated using the ARDL method for the Iranian economy. Government construction expenditure, direct taxation and risk index have a negative relationship with private investment, but GDP, indirect taxes and business index have a positive impact on private investment. Considering the inverse relation between direct tax and private investment as well as the positive relation between indirect tax and private investment, the imposition of tax breaks for direct taxes and an increase of indirect taxes can be effective in encouraging private investment.

Cite this article: Khanzadi1, A., & Ghaderi, S. (2021). Assessing the Impacts of Direct and Indirect Taxes on Private Investment in Iran. *Stable Economy and Sustainable Development*, 1 (1), 61-78. DOI: 10.22111/SEDJ.2021.36011.1105

© The Author(s).

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

DOI: 10.22111/SEDJ.2021.36011.1105

اقتصاد باثبات و توسعه پایدار
شاپا الکترونیکی: ۱۴۲۶ - ۲۷۸۳
دانشگاه سیستان و بلوچستان
انجمن علمی رفاه اجتماعی ایران

ارزیابی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران

آزاد خانزادی[۱]، شیوا قادری[۲]

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه اقتصاد، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: azadkhanzadi@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: shivaghaderi1369@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت : ۱۳۹۹/۰۷/۱۵
تاریخ پذیرش : ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

واژه‌های کلیدی:
مالیات مستقیم،
مالیات غیرمستقیم،
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی،
الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده.

چکیده

اثرات مالیات بر فعالیت‌های اقتصادی از مهمترین موضوعات مالیه عمومی است. مالیات‌ها مهمترین منبع کسب درآمد برای دولت هستند، علاوه بر آن ابزار مهم به کارگیری سیاست‌های مالی دولت نیز هستند. از آنجا که مالیات‌ها تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آثار مهمی بر متغیرهای واقعی اقتصادی خواهند داشت. لذا در این مطالعه اثرات مالیات مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری خصوصی بررسی شده است. روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و براساس آمارهای سری زمانی ۱۳۹۷-۱۳۷۵ که از بانک مرکزی اخذ گردیده، تأثیر متغیرهای توضیحی مخارج عمرانی دولت، تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم، شاخص کسب و کار و شاخص ریسک بر سرمایه‌گذاری خصوصی، با بهره‌گیری از الگوی اقتصادسنجی خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) برای اقتصاد ایران، برآورد شده است. مخارج عمرانی دولت، مالیات مستقیم و شاخص ریسک رابطه منفی با سرمایه‌گذاری خصوصی داشته، اما تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، مالیات غیرمستقیم و شاخص کسب و کار تأثیر مثبت بر سرمایه‌گذاری خصوصی دارند. با توجه به رابطه معکوس بین مالیات مستقیم و سرمایه‌گذاری خصوصی و همچنین رابطه مثبت بین مالیات غیرمستقیم و سرمایه‌گذاری خصوصی، اعمال معافیت‌های مالیاتی برای مالیات‌های مستقیم و افزایش مالیات‌های غیرمستقیم می‌تواند در جهت تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مؤثر واقع گردد.

استناد: خانزادی، آزاد؛ و قادری، شیوا (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران. *اقتصاد باثبات و توسعه پایدار*، ۱ (۱)، ۶۱-۷۸. DOI: 10.22111/SEDJ.2021.36011.1105

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان
حق‌مؤلف © نویسندگان.

۱. مقدمه

مالیات مهمترین ابزار تأمین درآمد دولت در هر سیستم اقتصادی بشمار می‌رود. در کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی و اقتصادی متفاوت، این متغیر از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار است و در نتیجه نحوه میزان تأثیرگذاری این متغیر بر سایر متغیرهای کلیدی اقتصاد یکسان نمی‌باشد. از آن جایی که امروزه کارایی بخش خصوصی بیشتر شده است و دولت ها در حال کوچک شدن می‌باشند، اما به هرحال چه در دولت‌های رو به گسترش و چه در دولت‌هایی که به سمت کوچک شدن می‌روند؛ قطعاً نیاز به درآمدهای مناسب وجود دارد. مالیات‌ها مهمترین، منبع کسب درآمد برای دولت می‌باشند، علاوه برآن ابزار مهم به کارگیری سیاست‌های مالی دولت نیز می باشند، از آنجا که مالیات‌ها، تخصیص منابع را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آثار مهمی برمتغیرهای واقعی اقتصادی خواهند داشت. هدف دولت از وضع مالیات بر پایه‌های مختلف مالیاتی، از جمله سیاست مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم صرفاً کسب درآمد بیشتر نیست، به همین دلیل در وضع مالیات بر هر پایه‌ای باید مقولات مربوط به آثار اقتصادی آن مورد توجه قرار گیرد و ترکیبی از مالیات‌ها را انتخاب نماید که آثار تخریبی کمتر داشته باشند، که در مجموع، اضافه بار مالیاتی را کاهش دهد (*Pazhoyan & Khosravi,2012*). اثرات سیاست‌های مالی و مالیاتی دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی به حوزه‌ای که دولت در آن سرمایه‌گذاری می‌کند بستگی دارد. مخارج سرمایه‌گذاری عمومی در حالتی که باعث افزایش بهره‌وری شرکت‌های خصوصی شود، می‌تواند باعث درون‌رانی سرمایه‌گذاری خصوصی شود. از طرف دیگر، در حالتی که دولت در شرکت‌های ناکارآمد سرمایه گذاری کند، یا سرمایه‌گذاران خصوصی انتظار افزایش مالیات برای تأمین مالی این قبیل هزینه‌ها را داشته باشند و یا اینکه بخش عمومی با بخش خصوصی برای تأمین مالی منابع داخلی قابل وام رقابت کند، باعث برون‌رانی سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود (*Biza, 2015*). یکی از مشکلات جدی اقتصاد ایران، سرمایه‌گذاری است، که تمایل به این امر، تحت تأثیر عوامل مختلف، بسیار پایین است و اجرای سیاست‌های مختلف مالیاتی مثل مالیات برشرکت‌ها می‌تواند این عدم تمایل را تشدید نماید. از آنجا که تغییرات سرمایه‌گذاری آثار مهم اقتصادی، اجتماعی و... دارد، لذا کاهش آن صدمات جبران‌ناپذیری در اقتصاد و اجتماع به بار خواهد آورد.

مسأله اصلی این پژوهش بررسی تأثیر ساختار مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران می‌باشد. در ادامه، در بخش دوم، به مبانی نظری تحقیق پرداخته شده است در بخش سوم، مروری بر مطالعات انجام شده صورت گرفته است. در بخش چهارم، طرح الگوی تحقیق و شرح داده‌ها صورت گرفته است. برآورد و تجزیه و تحلیل تجربی الگو در بخش پنجم انجام شده و در نهایت، به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها پرداخته شده است.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

۲-۱. مبانی نظری

رشد و توسعه اقتصادی مستمر و با ثبات یکی از مهمترین اهداف کلان اقتصاد هر کشوری به حساب می‌آید. در این راستا نیز جذب سرمایه‌گذاری یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. از این رو مباحث سرمایه‌گذاری یکی از بخش‌های اساسی و غیرقابل تفکیک اقتصادی بشمار می‌رود. سرمایه‌گذاری یکی از مهمترین اجزای تقاضای کل است که نقش بسیار تعیین کننده‌ای در نوسانات اقتصادی و رشد اقتصادی یک کشور ایفا می‌کند، در نظریه‌های تقاضای کل، مصرف روند با ثباتی را طی می‌کند و مخارج دولتی نیز یک متغیر سیاست‌گذاری است که کنترل آن در دست دولت قرار دارد، بنابراین تنها متغیر پر تلاطم تقاضای کل که نقش عمده‌ای در ایجاد نوسانات دارد، سرمایه‌گذاری است. لذا شناخت رفتار سرمایه‌گذاری و عوامل مؤثر بر آن، بسیار مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بوده است. در ادبیات اقتصادی، بحث سرمایه‌گذاری بسیار غنی بوده و سرشار از منابع نظری تجربی در کشورهای توسعه یافته است. به دلیل ساختار متفاوت کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته با توجه به اینکه بعضی از فروض اساسی لازم در تحلیل رفتار بهینه سرمایه‌گذاری مانند وجود بازارهای مالی نسبتاً کارا و عدم کنترل‌های شدید توسط دولت در کشورهای توسعه نیافته فراهم نمی‌باشد، همچنین نظریه‌های سرمایه‌گذاری موجود بیشتر به تحلیل سرمایه‌گذاری خصوصی می‌پردازند و بحث چندانی از سرمایه‌گذاری دولتی به عمل نمی‌آید. حال آنکه در کشورهای توسعه نیافته، دولت نقش قابل توجهی در تشکیل سرمایه دارد؛ لذا تحلیل دقیق اقتصاد خرد در مباحث مربوط به سرمایه‌گذاری، در کشورهای در حال توسعه‌ای مثل ایران امکان پذیر نمی‌باشد. اما با تکیه بر مباحث نظری مطرح شده و مطالعات تجربی صورت گرفته برای کشورهای توسعه نیافته عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری که در مطالعات انجام شده در این کشورها بیشتر مورد تأیید قرار گرفته‌اند، در نظر گرفته شده است (*Ezadkhasti & Arabmazar, 2016*).

یکی از عواملی که در کنار سایر عوامل اقتصادی می‌تواند بر سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد وضع مالیات است که می‌تواند انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد. اما دانستن این موضوع که مالیات‌ها در کنار سایر عوامل ذی‌نفوذ تصریح‌کننده تابع سرمایه‌گذاری همچون سطح تقاضای کل اقتصاد، نرخ سود بانکی و تورم چه تأثیری بر آن می‌گذارد، بسیار ضروری به نظر می‌رسد (*Arabmazar et al, 2014*). یکی از مسائلی که همچنان به صورت یک سؤال مورد بررسی بسیاری از محققان در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته، قرار گرفته و حتی

سیاست‌گذاران اقتصادی به ویژه مقامات سیاست مالی را با چالش مواجه کرده، این موضوع است که شرایط و چارچوب منسجمی از انگیزه‌های مالیاتی جهت تقویت سرمایه‌گذاری می‌تواند مؤثر واقع شود؟ از طرفی با توجه به اینکه مالیات یکی از منابع درآمدی دولت است، اثربخشی چنین انگیزه‌هایی به عنوان بسته سیاستی در مقایسه هزینه‌های آن‌ها قابل تأمل بوده و تئوری‌های سرمایه‌گذاری را مورد توجه جدی خود قرار داده است (*Shah, 1995*). در ایران نیز با توجه به اینکه در قانون مالیات‌ها مصوب سال ۱۳۶۶ تشویق و جهت‌دهی سرمایه‌های داخلی و خارجی به بخش تولید مد نظر بوده است اما به دلیل اینکه این قانون فقط با هدف افزایش درآمدهای مالیاتی تهیه و تنظیم و تصویب شده بود، عملاً موفق نبوده است و عدم کارایی خود را نشان داده است. لذا قانون مالیات‌ها در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۹۴ اصلاح شد و شرایط واقع بینانه‌تری را برای سرمایه‌گذاری مهیا نمود. در اصلاحیه اخیر سعی بر آن بوده است که مالیات‌ها نه تنها کم‌ترین اثر منفی بر انتظارات سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری آن‌ها داشته باشد، بلکه سرمایه‌گذاری در امور تولیدی از انگیزه‌های مالیاتی مؤثری برخوردار گردد (*Rostami & Asadzadeh, 2017*). بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی نقش مؤثری در روند توسعه کشور دارد. مالیات به عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلی کشور نقشی کلیدی ایفا کند. دولت با تدوین نظام مالیاتی مناسب می‌تواند بر چگونگی دستیابی به هدف‌های توسعه‌ای تأثیر گذارد. انواع مالیات در ایران به دو دسته زیر تقسیم می‌شود:

۱. مالیات مستقیم

۲. مالیات غیرمستقیم.

مالیات‌های مستقیم با نرخ‌های تصاعدی می‌تواند از طریق افزایش مصارف عمومی و هزینه‌های سرمایه‌گذاری به طور معکوس بر انگیزه‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تأثیر بگذارد. بی‌شک، باید مالیات‌های مستقیم بر درآمدهای اضافی اعمال شود، اما آن بخش از درآمدهای اضافی را جذب کند که لطمه‌ای به روند پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نزند. در این مورد، مالیات بر املاک و مستغلات، مالیات بر دارایی و مالیات بر هزینه‌های اضافی بهتر از مالیات بر درآمد است. در حالی که این نوع مالیات‌ها، مصرف را کاهش می‌دهند؛ مالیات بر درآمد به صورت بی‌رویه‌ای، سبب دلسردی سرمایه‌گذاران و پس‌اندازکنندگان می‌شود. تخفیف‌های مالی مانند معافیت‌های مالیاتی، در نظر گرفتن وجوه اختصاصی برای سرمایه‌گذاری و استهلاک ماشین‌آلات، مجوزهای مالیاتی و ... اثر منفی مالیات بر درآمد را کاهش داده و انگیزه‌های لازم برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را ایجاد می‌کنند.

یکی از پایه‌های عمده مالیات‌های مستقیم، مالیات بر درآمد شرکت‌ها است و شامل مالیات بر درآمد شرکت‌های دولتی و مالیات بر درآمد شرکت‌های خصوصی است. صورت عمده این نوع مالیات مستقیم، مالیات بر سود شرکت‌ها است. مخالفان این نوع مالیات‌ها بیان می‌کنند که با توجه به اینکه در اکثر کشورها مالیات بر مجموع درآمد اعمال می‌شود، مالیات بر شرکت‌ها یک مالیات مضاعف محسوب می‌شود و باعث کاهش سرمایه‌گذاری شرکت‌ها می‌شود. موافقان مالیات بر شرکت‌ها معتقدند که مالیات بر سود شرکت‌ها تنها سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد و به مصرف‌کنندگان و مزد بگیران منتقل نمی‌شود. همچنین، بر اساس مبانی نظری، مالیات بر عوامل تولید از طریق اثرگذاری بر بازدهی عوامل تولید بر تولید و سرمایه‌گذاری اثرگذار خواهد بود (*Afonso & Aubyn, 2009*)

بنابراین مالیات بر شرکت‌ها بر جریان حقیقی شرکت یعنی بر سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. از نظر مبانی نظری سرمایه‌گذاری تا زمانی ادامه دارد و انجام می‌شود که:

$$p.\frac{dF}{dK} \geq r + \gamma \quad (۱)$$
$$p.MP_k \geq r + \gamma$$
$$V.MP_k \geq r + \gamma$$

باشد، که در آن:

$MP_k = \frac{dF}{dK}$ تولید نهایی سرمایه، $V.MP_k$ تولید متوسط سرمایه، p نرخ تنزیل، γ نرخ استهلاک اقتصادی می‌باشد که چنانچه مالیات بر سرمایه برقرار شود خواهیم داشت:

$$p.\frac{dF}{dK} \geq r\,(1 + t_c) + \gamma \quad (۲)$$
$$VMP_k \geq r\,(1 + t_c) + \gamma$$

روشن است که با فرض ثابت بودن p , r, $\frac{dF}{dK}$, γ و با مقایسه معادلات (۱) و (۲) ملاحظه می‌گردد که با ورود مالیات، میزان سرمایه‌گذاری تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از انواع مالیات‌ها، مالیات‌های غیرمستقیم است. مالیات‌های غیرمستقیم مالیات‌هایی هستند که بر کالاهای مصرفی اشخاص وضع شده و از مصرف‌کنندگان وصول خواهد

شد. نقش مالیات‌های غیرمستقیم در جوامع و اقتصادهای کمتر توسعه یافته در مقایسه با کشورهای بیشتر توسعه یافته مهمتر است و هدف تأمین مخارج دولت را به آسانی محقق می‌کند. این مالیات‌ها، نرخ سرمایه‌گذاری را از راه تقلیل مصرف، بالا می‌برند و ضریب افزاینده پس‌انداز را رشد می‌دهند. به هر حال، روی آوری به مالیات‌های غیرمستقیم در این کشورها زیاد است. مالیات‌های غیرمستقیم باید به نحوی اعمال شود که موجب کاهش مصرف‌های تجملی شود و از طرفی نباید آن قدر سنگین باشد که سبب افزایش بی‌رویه قیمت کالاهای ضروری شود و بر تولید این کالاها اثر منفی بگذارد. بنابراین مالیات‌های غیرمستقیم باید به گونه‌ای اعمال شوند که نابودی انگیزه‌های پس‌انداز را به دنبال نداشته باشند (*Pazhoyan, 2012*).

۲-۲. پیشینه پژوهش

ورداوا[1] (۲۰۰۴)، معادلات سرمایه‌گذاری شیلی را با استفاده از داده‌های سالانه برای سال‌های ۱۹۷۵-۲۰۰۳ با روش OLS، تخمین زده است. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت درصدی از موجودی سرمایه و یک بار دیگر نیز به عنوان درصدی از GDP متغیر وابسته و متغیر تأثیرگذار در الگو، سرمایه‌گذاری بخش دولتی به صورت درصدی از موجودی سرمایه، نرخ مالیات، نرخ بهره، تورم، اعتبارات بخش خصوصی و بدهی دولت بودند. نتایج حاکی از آن بود که مالیات‌ها از کانال سرمایه، سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند و کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها، یکی از عوامل رشد ناگهانی سرمایه‌گذاری خواهد بود. رود و همکاران[2] (۲۰۰۷)، تأثیر مالیات بر شرکت‌ها را در ۲۰ کشور اروپایی طی سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۳ با توجه به اینکه طی دو دهه اخیر نرخ‌های مالیاتی در اروپا به طور چشمگیری کاهش داشت؛ مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافتند که کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها باعث تشویق سرمایه‌گذاری گردیده و با افزایش سرمایه‌گذاری و ترغیب افراد برای تشکیل شرکت، مبنای مالیاتی گسترش و در کل درآمد مالیاتی دولت افزایش می‌یابد.

براندستدر و ژاکوب[3](۲۰۱۳)، به بررسی تأثیر مالیات بر شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند. در این مطالعه با استفاده از داده‌های سطح شرکت در شرکت‌های آلمانی، اصلاح مالیاتی ۲۰۰۸ مورد بررسی قرار گرفته است که مالیات شرکت‌ها را ۱۰ درصد کاهش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که پاسخ‌های سرمایه‌گذاری ناهمگنی در سراسر شرکت‌ها وجود دارد، زیرا شرکت‌هایی با

[1] Verdava
[2] Ruud et al.
[3] Brandstetter & Jacob

یک منشأ خارجی فرصت‌های بیشتری را از طریق شرکت‌های داخلی در اختیار دارند. همچنین با استفاده از رویکرد تفاوت در تفاوت نشان داده‌اند که، پس از کاهش مالیات شرکت‌ها، شرکت‌های داخلی سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تری را نسبت به شرکت‌های خارجی افزایش داده‌اند. بنابراین تغییر مالیات شرکت‌ها می‌تواند سرمایه‌گذاری شرکت را افزایش دهد اما پاسخ‌های سرمایه‌گذاری ناهمگنی را بین شرکت‌ها دارند.

آلوز[1] (۲۰۱۸)، به بررسی تأثیر مالیات بر رشد سرمایه‌گذاری پرداخته است. این مطالعه تأثیر ساختار مالیات بر رشد سرمایه‌گذاری را در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تمام کشورهای OECD طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۱۹۸۰ نشان می‌دهد. همچنین سرمایه‌گذاری ناخالص به عنوان شاخص جایگزین برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده است. نتایج به دست آمده با استفاده از روش داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد که مقادیر آستانه‌ای سرمایه‌گذاری مالیاتی بهینه در کوتاه‌مدت نسبت به بلندمدت تکامل بیشتری داشته است. علاوه بر این، مالیات بر درآمد بهینه ۹٪ در درصد تولید ناخالص داخلی است و به طور متوسط مقدار بهینه ۱۲/۷٪ برای مالیات مصرفی برای رشد و توسعه سرمایه‌گذاری سالانه لازم است.

پژویان و خسروی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر مالیات بر شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با استفاده از رهیافت کرانه‌ها" در قالب یک الگوی سرمایه‌گذاری نئوکلاسیکی، به بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مالیات بر شرکت‌ها، تورم، نرخ بهره، تسهیلات و دو متغیر مجازی سیاست‌های اصلاحی دولت و صندوق ذخیره ارزی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، با استفاده از روش اقتصادسنجی ARDL، با توجه به معیار شوارتز بیزین با استفاده از رهیافت کرانه‌ها برای اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که مالیات بر شرکت‌ها رابطه منفی با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد.

ایزدخواستی و عرب‌مازار (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان" تحلیل اثرات سیاست مالی و مالیاتی کارآمد بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران: با تأکید بر مالیات بر درآمد شرکت‌ها و بی‌انضباطی مالی دولت" به بررسی و تحلیل اثرات سیاست‌های مالی و مالیاتی کارآمد بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران با استفاده از توابع عکس‌العمل آنی، تجزیه واریانس و تحلیل هم‌انباشتگی یوهانسن در دوره ۱۳۹۳-۱۳۵۷ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از توابع عکس‌العملی تحریک بیانگر آن است که وقوع یک شوک مثبت در متغیرهای مالی و مالیاتی در ابتدای دوره باعث افزایش و در ادامه باعث کاهش نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی می‌شود. همچنین

[1] Alves

نتایج حاصل از تحلیل هم‌انباشتگی یوهانسن حاکی از آن است که ارتباط منفی بین متغیرهای مالی و مالیاتی و نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به تولید ناخالص داخلی وجود دارد.

کلیه مطالعات انجام شده به بررسی تأثیر مالیات بر شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند ولی مطالعه‌ای در زمینه تأثیر مالیات مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری ملاحظه نشده است. نوآوری در این مقاله، انتخاب متغیرهایی متفاوت و اثرگذار بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است؛ لذا در این مطالعه از مالیات مستقیم و غیرمستقیم به عنوان متغیر توضیح‌دهنده بر رشد سرمایه‌گذاری بهره گرفته شده و تلاش شده است که روابط این متغیرها و سایر متغیرهای توضیحی بر سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گیرد.

۳. معرفی الگو، متغیرها و روش برآورد الگو

در این بخش از مطالعه، به معرفی روش تحقیق از طریق تصریح یک مدل اقتصاد سنجی و اندازه‌گیری شاخص سرمایه‌گذاری پرداخته شده است تا به صورت تجربی، رابطه بین مالیات مستقیم و غیرمستقیم و سرمایه‌گذاری در ایران تعیین شود. برای بررسی رابطه بین مالیات مستقیم و غیرمستقیم با سرمایه‌گذاری، مدل آلوز (۲۰۱۸) به صورت رابطه (۳) توسعه داده می‌شود.

$$I_t = \alpha_0 + \alpha_1 G_t + \alpha_2 GDP_t + \alpha_3 DT_t + \alpha_4 INDT_t + \alpha_5 DB_t + \alpha_6 ICRG_t + \varepsilon_t \qquad (۳)$$

حال با توجه به اینکه برای بررسی رابطه بین مالیات و سرمایه‌گذاری در مطالعه حاضر، از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی که توسط پسران و پسران[1] (۱۹۹۷)، پسران و اسمیت[2] (۱۹۹۸)، پسران و شین[3] (۱۹۹۹) و پسران و همکاران[4] (۲۰۰۱) بسط داده شده، استفاده شده است، لذا رابطه (۳) را می‌توان به صورت رابطه (۴) بازنویسی کرد:

[1] Pesaran & Pesaran
[2] Pesaran & Smith
[3] Pesaran & shin
[4] Pesaran et al

$$\Delta I_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{1i} \Delta I_{t-i} + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{2i} \Delta G_{t-i} + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{3i} \Delta GDP_{t-i} + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{4i} \Delta DT_{t-i} + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{5i} \Delta INDT_{t-i} + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{6i} \Delta DB_{t-i} + \sum_{i=1}^{k} \alpha_{7i} \Delta ICRG_{t-i} + \beta_1 I_{t-i} + \beta_2 G_{t-i} + \beta_3 GDP_{t-i} + \beta_4 DT_{t-i} + \beta_5 INDT_{t-i} \quad (۴)$$

به طوری که:

I_t: سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دوره t

G_t: مخارج عمرانی دولت

GDP_t: تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی به قیمت پایه سال ۱۳۹۰

DT_t: مالیات مستقیم

$INDT_t$: مالیات غیرمستقیم

DB_t: شاخص کسب و کار

$ICRG_t$: شاخص ریسک‌پذیری اقتصادی

α_0 و u_t به ترتیب عرض از مبدأ و جمله اخلال مدل برآوردی می‌باشند. لازم به ذکر است متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به صورت سالانه و از منابع معتبر آماری همچون اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، doing business و www.prsgroup.com گردآوری شده است و مربوط به سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۵ است.

۳-۱. معرفی روش خود رگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL)

در برآورد الگوی پژوهش، به منظور بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از تکنیک خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی[1] (ARDL) استفاده می‌گردد. این روش نسبت به روش‌های دیگر همگرایی بلندمدت مزیت‌هایی دارد.

۱. استفاده از روش مذکور این امکان را محقق می‌دهد که هم پویایی‌های کوتاه‌مدت بین متغیرهای معادله رگرسیون را بررسی نماید و هم تأثیر بلندمدت متغیرهای مستقل الگو بر متغیر وابسته را مشخص سازد.

۲. درجه انباشتگی سری‌ها لزوماً نباید مانند سایر روش‌ها یک باشد.

۳. این الگو نسبت به سایر روش‌های همگرایی بلندمدت در نمونه‌های کوچک دقت بیشتری دارد.

۴. در این روش یک الگوی تصحیح خطا از طریق یک تبدیل خطی ساده می‌تواند به دست آید.

یک الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی به صورت روابط زیر قابل تصریح می‌باشد:

$$\alpha(L\,.\,p)Y_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^{k} \beta_i(L\,.\,q_i)X_{it} + \delta W_t + u_t \qquad (۵)$$

در رابطه (۱)، L عامل وقفه، α_0 عرض از مبدأ، Y متغیر وابسته مدل، X_{it} بردار متغیرهای مستقل در مدل، K تعداد متغیرهای مستقل در مدل، q_i تعداد وقفه‌های بهینه مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل، p تعداد وقفه بهینه مربوط به متغیر وابسته مدل و W_t بردار متغیرهای قطعی (مانند متغیرهای دامی، روند زمانی یا متغیرهای برونزا با وقفه معین) می‌باشد و برای L که عامل وقفه است می‌توان نوشت:

$$L^j Y_t = Y_{t-j} \qquad (۶)$$

پس می‌توان چنین نوشت که:

[1] Auto Regressive Distributed Lag

$$\alpha(L.p) = 1 - \alpha_1 L^1 - \cdots - \alpha_p L^p$$
$$\beta_i(L.q_i) = \beta_{i0} + \beta_{i1} L + \beta_{i2} L^2 + \cdots + (\beta_{iq_i} L_i^q) \quad (۷)$$

برای استفاده از رهیافت ARDL در مرحله نخست، باید وجود ارتباط بلندمدت بین متغیرها را بررسی نمود. یکی از آماره‌هایی که می‌توان با استفاده از آن هم‌جمعی بین متغیرها را بررسی کرد، آماره t است که به وسیله بنرجی، دولادو و مستر[1] (۱۹۹۲) ارائه شده است. در ابتدا رابطه (۲) با استفاده از OLS برای تمام ترکیبات ممکن مقادیر $p = 0.1.2. \ldots . m$ و $q_i = 0.1.2. \ldots . i$ و $m_i = 1.2. \ldots . k$، یعنی به تعداد $(m+1)^{k+1}$ بار برآورد می‌شود. فرضیه صفر بیانگر عدم وجود هم‌انباشتگی یا رابطه بلندمدت است، زیرا شرط آن که رابطه پویای کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش یابد، آن است که مجموع ضرایب کمتر از یک باشد. برای انجام این آزمون عدد یک از مجموع ضرایب با وقفه متغیر وابسته کم شده و بر مجموع انحراف معیار ضرایب یاد شده تقسیم می‌شود. اگر قدر مطلق t به دست آمده از قدر مطلق مقادیر بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر بزرگ‌تر باشد، فرضیه صفر رد و وجود رابطه بلندمدت پذیرفته می‌شود. در مرحله بعد ضرایب مربوط به الگوی بلندمدت و خطای معیار جانبی مربوط به ضرایب بلندمدت بر اساس الگوی ARDL محاسبه می‌شود. همچنین می‌توان مدل تصحیح خطا مربوط به الگوی انتخاب شده در روش ARDL را برآورد کرد، به این ترتیب که پس از آزمون هم‌انباشتگی بین متغیرها، جمله خطای مربوط به رگرسیون هم‌انباشتگی با یک وقفه زمانی را به عنوان یک متغیر توضیحی در کنار تفاضل مرتبه اول سایر متغیرها قرار داده، سپس به کمک روش OLS ضرایب برآورد می‌گردند. ضریب جمله تصحیح خطا، سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد (Noferesti, 2008).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. بررسی مانایی متغیرها

در روش‌های سری‌زمانی گام نخست بررسی مانایی متغیرها می‌باشد. با توجه به نامانایی اکثر سری‌های زمانی در اقتصاد کلان، به کارگیری اقتصادسنجی متداول برای تحلیل کمی روابط اقتصادی تردیدآمیز جلوه می‌کند. در واقع نامانایی سری‌های زمانی (داشتن ریشه واحد) ممکن

[1] Banerjee, Dolado & Master

است منجر به رگرسیون ساختگی شود یعنی علیرغم ضریب تعیین بالا ولی رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد. لذا قبل از تحلیل هم‌انباشتگی، ابتدا مانایی کلیه متغیرهای الگو به وسیله روش دیکی- فولر تعمیم‌یافته[1] (ADF) آزمون می‌شود.

جدول۱. نتایج آزمون دیکی- فولر تعمیم‌یافته (با عرض از مبدأ)

متغیرها	آمارهT	سطح احتمال	وضعیت
I	-۲/۵۱۳۲۹	۰/۳۱۸۲	I(0)
D(I)	-۳/۹۵۹۱۴۸	۰/۰۲۶۳	I(1)
G	-۱/۱۸۹۶۷۰	۰/۶۵۸۷	I(0)
D(G)	-۳/۸۵۲۶۴۱	۰/۰۰۹۱	I(1)
GDP	-۱/۲۹۵۱۵۷	۰/۶۱۱۹	I(0)
D(GDP)	-۳/۶۴۷۱۵۲	۰/۰۱۴۱	I(1)
DT	-۰/۲۸۲۹۱۱	۰/۹۸۵۴	I(0)
D(DT)	-۳/۰۶۰۹۴۵	۰/۰۴۶۲	I(1)
INDT	-۵/۶۶۰۲۴۸	۰/۰۰۰۲	I(0)
DB	-۳/۲۵۹۲۹۲	۰/۰۳۱۲	I(0)
ICRG	-۲/۸۰۸۶۵۱	۰/۰۱۲۱	I(0)

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۱، نتایج آزمون مانایی نشان می‌دهد که در روش ADF، تمامی متغیرها به غیر از مالیات غیرمستقیم، شاخص کسب و کار و شاخص ریسک با یک دوره تفاضل مانا شده‌اند. متغیرهای مالیات غیرمستقیم، شاخص کسب و کار و شاخص ریسک در سطح ۹۵ درصد مانا بوده‌اند یعنی دارای میانگین، واریانس و ساختار خودکوواریانس ثابت هستند؛ لذا فرضیه صفر مبنی بر نامانایی متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

با توجه به اینکه ترکیبی از متغیرهای I(0) و I(1) وجود دارد، بایستی به منظور بررسی عدم وجود رگرسیون ساختگی و وجود رابطه بلندمدت، هم‌انباشتگی بین متغیرها نیز مورد بررسی قرار گیرد.

[1] Augmented Dickey-Fuller Test

۴-۲. نتایج برآورد مدل

نتایج برآورد الگوی کوتاه‌مدت در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۲. برآورد رابطه تعادلی کوتاه مدت روش ARDL

متغیرها	ضرایب برآورده شده	آماره T	سطح احتمال
C	-۶/۷۵۰۲۶	۱/۱۹۷۹۴۵	۰/۲۶۵۲
I(-1)	۰/۳۵۷۹۱۲	-۳/۳۲۷۰۲۰	۰/۰۴۳۴
G	-۰/۰۱۹۸۵۹	-۲/۹۵۱۸۹۰	۰/۰۱۸۴
G(-1)	-۰/۰۳۰۰۰۲	-۴/۹۳۳۵۸۲	۰/۰۰۱۱
GDP	۰/۰۳۹۴۳۵	۱/۶۳۴۵۰۴	۰/۰۴۳۵
DT	-۰/۰۲۹۵۴۹	۳/۱۶۷۱۵۶	۰/۰۰۶۲
DT(-1)	-۰/۰۵۱۶۰۹	۵/۱۸۶۳۳۰	۰/۰۰۰۸
INDT	۰/۰۳۷۷۰۴	-۶/۸۸۶۸۷۳	۰/۰۰۰۱
INDT(-1)	۰/۰۶۰۰۲۰	-۹/۰۵۲۷۹	۰/۰۰۰۰
DB	۰/۰۱۳۴۹۵	۴/۸۹۰۴۸۱	۰/۰۰۱۲
DB(-1)	-۰/۰۰۶۶۵۶	-۲/۶۸۶۱۲۵	۰/۰۲۷۷
ICRG	-۰/۱۴۴۰۶۷	-۳/۳۰۳۴۸۳	۰/۰۰۴۰
DW: ۱/۶۱		$\bar{R}_2$: ۰/۸۸۱	
F: ۱۳۸		Prob: ۰/۰۰۰۴	

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد رابطه (۰و۱و۱و۱و۰و۱و۱) ARDL مورد تأیید قرار گرفته و معنی‌داری ضرایب در سطح بالایی قرار دارد. آماره DW عدم خودهمبستگی بین جملات اخلال را نشان می‌دهد و ضریب تعیین نیز بیانگر قدرت بالای متغیرهای مستقل برای توضیح متغیر وابسته است. به طوری که ۸۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. آماره F نیز برآورد کلی رگرسیون را مورد تأیید قرار می‌دهد.

همان‌گونه که از نتایج ارائه شده مشخص است، تمامی متغیرها به استثنای عرض از مبدأ، در سطح ۵ درصد اثر معناداری از لحاظ آماری بر سرمایه‌گذاری در دوره کوتاه‌مدت دارند. تأثیر سرمایه‌گذاری با یک دوره وقفه بر خودش مثبت و ضریب آن ۰/۳۵۷ برآورد گردیده است، یعنی ۳۵ درصد از سرمایه‌گذاری در دوره حال بر اساس سرمایه‌گذاری دوره قبل صورت گرفته است. مخارج عمرانی دولت در کوتاه‌مدت ۰/۰۱۹- برآورد گردیده است، به این معنی است که با افزایش یک

درصدی مخارج عمرانی دولت، مقدار سرمایه‌گذاری به میزان ۰/۰۱۹ درصد کاهش می‌یابد. اثر متغیر تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی بر سرمایه‌گذاری مثبت است و می‌تواند در کوتاه‌مدت، سرمایه‌گذاری را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد، این ضریب بیان می‌کند که هر یک واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، ۰/۰۳۹ واحد سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. تأثیر متغیر مالیات مستقیم ۰/۰۲۹- برآورد شده است. بنابراین مالیات مستقیم اثر معکوس بر سرمایه‌گذاری دارد. لذا با افزایش یک واحد مالیات مستقیم سرمایه‌گذاری به میزان ۰/۰۲۹ واحد کاهش می‌یابد و تأیید می‌نماید که مالیات مستقیم بر سرمایه‌گذاری، تأثیر منفی می‌گذارد که در نتیجه بر تخصیص منابع و رفاه جامعه می‌تواند مؤثر باشد. یعنی افزایش درآمد مالیاتی به قیمت کاهش کارایی و افزایش بار مالیاتی تمام می‌شود. مالیات با افزایش هزینه استفاده از سرمایه، موجودی سرمایه مطلوب را کاهش داده و تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری خواهد داشت. ضریب مالیات غیرمستقیم در الگوی برآورد شده، بر اساس مبانی نظری دارای علامت مورد انتظار بوده، بیان می‌کند هر یک واحد افزایش در مالیات غیرمستقیم، باعث افزایش ۰/۰۳۷ در سرمایه‌گذاری می‌گردد. این مالیات‌ها، نرخ سرمایه‌گذاری را از راه تقلیل مصرف، بالا می‌برند و ضریب افزاینده پس‌انداز را رشد می‌دهند. بر اساس نتایج به دست آمده از برآورد شاخص کسب وکار در کوتاه‌مدت مقدار این متغیر معادل ۰/۰۱۳ است که با سرمایه‌گذاری رابطه مستقیم دارد. همچنین بررسی شاخص ریسک نشان می‌دهد که با افزایش ریسک مقدار سرمایه‌گذاری (۰/۱۴۴) کاهش یافته است. جهت اطمینان از وجود رابطه بلندمدت، آزمون هم‌انباشتگی صورت می‌گیرد. برای این کار از آزمون کرانه‌ها استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار آماره F بیشتر از مقدار بحرانی کرانه بالا باشد، در این صورت نمی‌توان فرضیه H_1 مبنی بر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو را رد کرد. اما در صورتی که مقدار آماره F از مقدار بحرانی کرانه پایین کمتر باشد در این صورت می‌توان فرضیه H_1 را رد کرد. شایان ذکر است در صورتی که مقدار آماره F در محدوده بین کرانه پایین و بالا باشد، وضعیت رابطه بلندمدت نامشخص است. نتیجه آزمون هم‌انباشتگی در جدول (۳)، نشان می‌دهد که در سطح ۵ درصد نمی‌توان فرضیه مبنی بر وجود رابطه بلندمدت را رد کرد.

جدول ۳. نتیجه آزمون هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو

مقدار آماره F	در سطح خطای ۵ درصد	
	کرانه پایین	کرانه بالا
۱۳/۴۹۵۳	۲/۲۷	۳/۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که بیان شد، نکته مهم در برآورد هم‌انباشتگی از روش ARDL، موجود بودن رابطه بلندمدت در متغیرها است. به منظور تأیید نهایی بردار هم‌انباشتگی در روش ARDL، نتیجه برآورد بلندمدت الگو در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴. برآورد رابطه تعادلی بلندمدت روش ARDL

متغیرها	ضرایب برآورده شده	آماره T	سطح احتمال
C	-۴/۰۷۵۲۸	-۰/۴۹۳۵۲۸	۰/۶۳۶۷
G	-۰/۰۲۵۷۵۰	-۳/۳۲۹۰۵۵	۰/۰۰۸۸
GDP	۰/۱۳۰۰۳۳	۳/۱۲۹۰۷۳	۰/۰۱۲۱
DT	-۰/۰۲۸۵۰۱	۳/۷۲۱۳۶۷	۰/۰۰۴۸
INDT	۰/۰۳۴۴۴۷	-۴/۹۲۱۰۹۹	۰/۰۰۰۸
DB	۰/۰۱۱۷۰۹	۴/۰۴۴۰۴۱	۰/۰۰۲۹
ICRG	-۰/۲۶۰۱۹۹	۲/۰۵۷۵۴۵	۰/۰۰۰۷
DW: ۱/۵۹		$\overline{R}_2$: ۰/۸۹۵	
F: ۱۶/۵۴۱۲		Prob: ۰/۰۰۰۱	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۴)، اثر تمامی متغیرها به استثنای عرض از مبدأ بر سرمایه‌گذاری از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنادار می‌باشد. تأثیر متغیر مخارج عمرانی دولت بر سرمایه‌گذاری در بلندمدت منفی است، در واقع افزایش مخارج عمرانی دولت در بلندمدت، می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری شود. لذا با توجه به نتایج جدول با افزایش یک درصد مخارج عمرانی دولت سرمایه گذاری به میزان ۰/۰۲۵ درصد کاهش می‌یابد. همچنین اثر متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، مالیات غیرمستقیم و شاخص کسب و کار در بلندمدت همانند دوره کوتاه‌مدت بر سرمایه‌گذاری مثبت و معنادار است. از سوی دیگر دو متغیر مالیات مستقیم و شاخص ریسک در بلندمدت بر سرمایه‌گذاری اثر معکوس دارند. لذا با افزایش یک واحد مالیات مستقیم و شاخص ریسک در بلندمدت، میزان سرمایه‌گذاری به ترتیب به میزان ۰/۰۲۸ و ۰/۲۶ کاهش می‌یابد. جهت حصول اطمینان از تعدیل عدم تعادل کوتاه‌مدت الگو به سمت بلندمدت، الگوی تصحیح خطا برآورد گردیده است. در واقع الگوی تصحیح خطا، نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهد. نتایج برآورد الگوی تصحیح خطا در جدول (۵) ارائه شده است. بر اساس نتایج حاصل از تخمین این الگو، ضریب تصحیح خطا از لحاظ آماری معنادار

بوده و همان‌طور که انتظار می‌رفت، ضریب آن منفی می‌باشد. بنابراین در هر دوره، حدود ۴۵ درصد از خطای تعادل کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت تعدیل می‌گردد.

جدول ۵. نتایج تخمین الگوی تصحیح خطا

متغیرها	ضرایب برآورد شده	آماره t	سطح احتمال
ECM(-1)	-۰/۴۵۸	-۲/۴۰۲۱۴۶	۰/۰۴۷۳

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مالیات مهمترین ابزار تأمین درآمد دولت در هر سیستم اقتصادی بشمار می‌رود. در کشورهای مختلف با ساختارهای سیاسی و اقتصادی متفاوت، این متغیر از درجه اهمیت متفاوتی برخوردار است و در نتیجه میزان تأثیرگذاری این متغیر بر سایر متغیرهای کلیدی اقتصاد یکسان نمی‌باشد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری است. مالیات‌ها علاوه بر منبع کسب درآمد برای دولت، بر سرمایه‌گذاری نیز مؤثر می‌باشد.

همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره شد؛ هدف این پژوهش بررسی تأثیر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بر سرمایه‌گذاری طی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۷۵ در ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) است. بنابرین بر مبنای نتایج الگوی برآورد شده در این مقاله، می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد.

۱. با توجه به اینکه رابطه بین مالیات مستقیم و سرمایه‌گذاری در ایران منفی می‌باشد می‌توان به این نتیجه رسید که مالیات بر انواع وسایل سرمایه‌گذاری به طور مؤثر نرخ خالص بازگشت آن‌ها را کاهش می‌دهد، که این امر باعث کاهش سرمایه‌گذاری خواهد گردید. لذا پیشنهاد می‌شود؛ نرخ نزولی مالیات مستقیم تجربه شود، که سبب تشویق سرمایه‌گذاری گردد. لذا یک معافیت مالیاتی برای سرمایه‌گذاری، هزینه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و باعث افزایش موجودی سرمایه مطلوب می‌گردد.

۲. با توجه به اینکه رابطه بین مالیات‌های غیرمستقیم و سرمایه‌گذاری مثبت است؛ لذا پیشنهاد می‌شود دولت و سیستم مالیاتی با تدوین برنامه‌های تشویقی و با افزایش میزان این مالیات‌ها، سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران را تحریک کنند.

References

Afonso, A. and St. Aubyn, M. (2009). Macroeconomic Rates of Return of Public and Private Investment: Crowding - inandCrowding – outE-ects. The Manchester School, 77: 21-39.

Alves, Jos. (2018). the Impact of Tax Structure on Investment: An Empirical Assessment for OECD Countries. REM Working Paper.

Arabmazar, A. & Zamanzadeh, A. & Shayesteh, Z. (2014). Investigating the effect of tax on private investment behavior by emphasizing tax policies in the Fifth Development Plan. Quarterly Journal of Economics and Modeling, 14, 25-45. (In Persian)

Biza, R, A. (2015). Do budget deficits crowd out private investment an analysis of the South African economy, Int. J. Economic Policy in Emerging Economies, 8(1), pp. 52-96

Brandstetter, L. and Jacob, M. (2013). Do Corporate Tax Cuts Increase Investments? Arqus-Diskussionsbeitrage zur quantitativen Steuerlehre 153.

Ezadkhasti, H. & Arabmazar, A. (2016). Analyzing the Effects of Efficient Financial and Tax Policy on Private Investment in Iran with Emphasis on Corporate Income Tax and Government Financial Discipline. Tax Research Journal, 32, 12-34. (In Persian)

Noferesti, M. (2008). Unit root and cointegration in econometrics. Rasa Cultural Services Institute, first edition, Tehran. (In Persian)

Pazhoyan, J. & Khosravi, T. (2012). The impact of corporate taxes on private sector investment. Journal of Applied Economics, 3. (In Persian)

Pazhoyan, J. & Khosravi, T. (2013). The impact of corporate tax on private sector investment using a marginal approach. Sciences Journal of Economics, 7, 96-121. (In Persian)

Pazhoyan, J. (2012). Public sector economics (taxes. Forest), 116-118. (In Persian)

Pesaran, M. H., & Pesaran, B. (1997). Working with Microfit 4.0: Interactive Econometric Analysis. Oxford University Press, Oxford.

Pesaran, M. H., & Shin, Y. (1999). An Autoregressive Distributed Lag Modelling Approach to Cointegration Analysis. In: Strom, S. (Ed.), Econometrics and Economic Theory in 20th Century: The Ragnar Frisch Centennial Symposium. Cambridge University Press, Cambridge Chapter 11.

Pesaran, M. H., & Shin, Y., & Smith, R.J. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. Journal of Applied Econometrics, 16: 289–326.

Pesaran, M. H., & Smith, R. P. (1998). Structural Analysis of Cointegrating VARs. Journal of Economic Survey, 12: 471–505.

Rodrigo, Verdava. (2004). Taxation and Private Investment: Evidence for Chile.

Rostami, V. & Asadzadeh, V. (2017). Legal review of the impact of taxes on foreign investment. Tax Research Journal, 81, 149-165. (In Persian)

Ruud de, M., & Gaetan, N. (2007). Corporete Tax Policy and Incorporation in the UE. International Tax and Public Finance. 15, 478-498.

Shah, A. (1995). Fiscal Incentives for Investment and Innovating. New York, Oxford University press.